

اخبار

تحقیقات حاتمی کیا برای ساخت

فیلمی در باره عملیات بیت‌المقدس

ابراهیم حاتمی‌کیا در حال تحقیق و نگارش فیلمنامه‌ای سینمایی با موضوع عملیات بیت‌المقدس است و بنا دارد ایده‌ای را که سال‌ها در ذهن داشته در تازه‌ترین اثر سینمایی خود اجرایی کند. به گزارش مهر، ابراهیم حاتمی‌کیا در حالی که فیلم سینمایی «چ» را در حال اکران دارد این روزها مشغول تحقیق و نگارش فیلمنامه‌ای با مضمون عملیات بیت‌المقدس است. این فیلمساز ایده این فیلم سینمایی را از گذشته‌های دور تا امروز در دست کار داشته و قرار است پس از پایان مراحل تحقیق و نگارش این فیلمنامه سینمایی، مراحل پیش‌تولید را آغاز کند. مراحل تحقیق و نگارش این فیلم سینمایی به پایان نرسیده و هنوز در ابتدای راه است و مذاکرات با هیچ‌یک از بازیگران انجام نشده است. حاتمی‌کیا در آخرین حضورش در برنامه «راز» اشاره‌ای به ساخت فیلمی درباره عملیات بیت‌المقدس داشت و گفت بنا دارد این فیلم سینمایی را پس از «چ» در کارنامه کاری خود به یادگار بگذارد. عملیات بیت‌المقدس از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات‌های جنگ ایران و عراق است. این عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ با رمز «یا علی ابن ابیطالب» در محور اهواز- خرمشهر، دشت آزادگان آغاز شد. این عملیات که به عنوان مهم‌ترین عملیات در ۸سال جنگ تحمیلی مطرح است در ۴ مرحله انجام شد که آخرین مرحله این عملیات آزادسازی خرمشهر را در سوم خردادماه به دنبال داشت.

نمایش «چ» برای ناشنوایان در سینما آزادی



فیلم «چ» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا هر دوشنبه اردیبهشت‌ماه با زیرنویس و به‌طور رایگان برای ناشنوایان و نیمه‌شنوایان روی پرده می‌رود. پژمان لشگری‌پور، مدیر پروژه فیلم سینمایی «چ» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا درباره نمایش ویژه و رایگان این فیلم برای ناشنوایان به مهر گفت: طبق برنامه‌ریزی انجام شده و با حمایت بخش خصوصی فیلم سینمایی «چ» ویژه ناشنوایان زیرنویس شده و از این دوشنبه ۸ اردیبهشت ماه ویژه ناشنوایان نمایش داده می‌شود. وی در ادامه افزود: به اعتقاد من حضور بخش خصوصی در فعالیت فرهنگی و هنری برای افراد کم‌توان و ناتوان جامعه دریچه‌ای از محبت و انساندوستی در اجتماع را باز می‌کند. از همین رو باید قدرند این حمایت بخش خصوصی از نمایش فیلم «چ» برای ناشنوایان و نیمه‌شنوایان در سینما آزادی باشیم. مدیر پروژه سینمایی «چ» با اشاره به اینکه با انجمن ناشنوایان هماهنگ شده تا براساس برنامه‌ریزی که انجام می‌دهند گروه‌های مختلف ناشنوایان و نیمه‌شنوایان را برای دیدن این فیلم به سینما آزادی بیاورند عنوان کرد: به نظر من هماهنگی تهیه‌کنندگانی که فیلم‌هایشان در اکران است با انجمن‌ها و گروه‌هایی که در زمینه‌های مختلف اجتماعی فعالیت می‌کنند، می‌تواند مهربانی و محبت را در جامعه ترویج کند. لشگری‌پور با ابراز تأسف از اینکه بسیاری از نهادهای رسمی برای هموطنانی که از مشکلات مختلف جسمی و بعضاً ذهنی رنج می‌برند برنامه‌ریزی فرهنگی ندارند، گفت: مشکلات این عزیزان تا تردد تا حضور در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد از همین رو وقتی می‌توان شرایط حضور این افراد در موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرد، نباید از هیچ تلاشی دریغ کرد. وی در پایان توضیح داد: تاگفته نماند حضور شرکت گلرنگ به عنوان بخش خصوصی در کنار این پروژه سینمایی در اجرایی کردن این طرح بسیار مؤثر بود.

فیلم به سینما آزادی بیاورند عنوان کرد: به نظر من

هماهنگی تهیه‌کنندگانی که فیلم‌هایشان در اکران است با انجمن‌ها و گروه‌هایی که در زمینه‌های مختلف اجتماعی فعالیت می‌کنند، می‌تواند مهربانی و محبت را در جامعه ترویج کند. لشگری‌پور با ابراز تأسف از اینکه بسیاری از نهادهای رسمی برای هموطنانی که از مشکلات مختلف جسمی و بعضاً ذهنی رنج می‌برند برنامه‌ریزی فرهنگی ندارند، گفت: مشکلات این عزیزان تا تردد تا حضور در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد از همین رو وقتی می‌توان شرایط حضور این افراد در موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرد، نباید از هیچ تلاشی دریغ کرد. وی در پایان توضیح داد: تاگفته نماند حضور شرکت گلرنگ به عنوان بخش خصوصی در کنار این پروژه سینمایی در اجرایی کردن این طرح بسیار مؤثر بود.

بیژنی خبر داد

راه‌اندازی سایت بین‌المللی کارتون با موضوع صهیونیسم

ماژیار بیژنی، مدیر سایت روزکارتون از راه‌اندازی یک سایت بین‌المللی کارتون با موضوع صهیونیسم خبر داد. وی در گفت‌وگو با فارس درباره

این سایت توضیح داد: راه‌اندازی این سایت در مراحل قدمتی قرار دارد و اخبار کامل‌تر آن را در آینده اعلام خواهیم کرد اما در یک بیان کلی این سایت به صورت بین‌المللی با ۲ زبان عربی و انگلیسی طراحی خواهد شد که به موضوع صهیونیسم می‌پردازد. او درباره سایت روزکارتون هم توضیح داد: هدف از راه‌اندازی سایت روزکارتون این بود که جای کاری‌کاتوره‌های مطبوعاتی پشت احساس می‌شد و به همین دلیل در قالب یک سایت اینترنتی سعی کردیم به موضوعات کارتتون مطبوعاتی بپردازیم. او درباره امکان انتشار این آثار به صورت نشریه هم گفت: خیلی تلاش کردیم حمایت و بودجه‌ای را برای داشتن نشریه‌ای براساس آثار سایت روزکارتون داشته باشیم اما تاکنون به دلیل هزینه‌های انتشار یک نشریه اعم از اجاره یک مکان و پرداخت دستمزد کاریکاتوره‌ستا و هزینه‌های کاغذ موفق نشده‌ایم.

محمدرفسا پورصباغ: هر بار که یکی از آثار دنمنکی

در سینماهای کشور اکران می‌شود در میان ناسزاهای رسانه‌ای که متنن آثارش را انکار می‌کنند برخی خودی‌هایی که به لقلقه فرم دچارند و گرایشات محتواگرایانه خود را از دست داده‌اند فرصت تحلیل آثار دنمنکی در میان غبار فضای رسانه‌ای را منتقدان می‌ستایند. فارغ از تمام این بحث‌های محفلی که می‌توان راجع به مخالفان و مخالفان نوشت در میان مخالفت‌ها تحلیل جزئی آثار وی امر واجبی است.

پس‌زمینه صوتی تیتراژ فیلم معراجی‌ها مزوج شده است با صدای اُپِر. این صدا مزجوش شده با آرکادئون و صدای موسیقی زندگی‌بخش که موتیف آثار دنمنکی به شمار می‌رود. در واقع سازنده سعی می‌کند آثار پیشین خود را در ذهن مخاطب احیا کند. آکاردئون سازی است که به صورت غیر رسمی به گروه‌های کولی منتسب است. موسیقی که با مضمون اغلب آثار دنمنکی ترکیبی تمثیلی از مضمون را در ذهن متبادر می‌کند که با این همه شلوغی و جنگ، سازنده سعی می‌کند تمعدا به مخاطب بگوید می‌خواهم مشتتی کولی را به شما نشان بدهم که از جنس آدم‌هایی که خاتمان این جهانی دارند، نیستند. همان تیتراژ تکلیف مخاطب را با جماعت کولی از همان جنسی که منظور دنمنکی است، روشن می‌کند. در ابتدای فیلم می‌بینیم روی دیوار‌های اطراف خانه محمد شعاع «جنگ جنگ تا پیروزی» حک شده و برای نسل‌هایی که آن دوره توان صدامیان را تجربه کرده‌اند یا تصویری از آن دوران به یاد دارند شعارنوشته جنگ جنگ… و دپین چرخ و فلکی که می‌چرخد و فضای دهه شصتی که به خوبی تصویر شده است نشانگر این است که در آن دوران، یک عده می‌جنگیدند و عده کثیری زندگی می‌کردند. روایت معراجی‌ها داستان آدم‌هایی نظیر محمد است که قبولی کتکور و رتبه یک دانشگاه در مقابل سودا و رویای شهادت، در‌پای برایشان ارزش ندارد. دیالوگ‌های فیلم به مثابه سایر آثار دنمنکی به زندگی نزدیک است. پدر محمد می‌گوید رتبه اول دانشگاه که زو کشیدن سخت‌تر است. محمد، قهرمان قصه نه‌قرار است از تولد باشد نه عشق دختر کی مثل مجید سوزوکی، او شیفته دفاع از انقلاب و کشورش است، از رتبه نشویند کتکور می‌گذرد و می‌خواهد به جبهه برود. پدر و مادرش تصور می‌کنند بازن گرفتن محمد از مینی‌تر می‌کند و می‌توانند او را از رفتن به جبهه منصرف کنند. پدر و مادر محمد اعتقاد دارند زن به مثابه تومور می‌ماند و آدمی را زمینگیر می‌کند اما محمد فارغ از این‌ها عاشقانه تصمیم گرفته‌برای کشور و انقلاب پای در میدان نبرد بگذارد. تومور دنیابرستی کتکور و ازدواج یک‌کدام سبب نمی‌شود از کسب رتبه نخست عاشورایی سر باز زند. محمد نمادی از کسانتی است که از دالاتی زیبا چشم به نور حسین(ع) دوخته‌اند و در کتکور ناوشسته میهن‌پرستی رتبه آورده‌اند. نقد دنیابرستی این‌دهه توسط دنمنکی در این فیلم با ظرافت‌هایی اجرایی و فانتزی به مثابه سایر آثارش هویدا می‌شود. معراجی‌ها پیچیدگی خاصی ندارد چون برای گفتن مفاهیم عمیقی مثل کتکورالحسین(ع) نباید

غرق شعار و شعارپراکنی شد. باید با زبان همین جایی، از جنس دهه شصتی، انقلابی، برای نسل جدید حقیقت را گفت. راستی باید اشاره کنم ۲ مرتبه که به سینما رفته‌م هیچ‌کدام از مخاطبان معراجی‌ها من و میسائل نبودند. در دو سانس مورد اشاره همه جوان بودند و دنمنکی با همین زبان مستریخش توده‌ها را شریف‌م کرد.کتکورالحسین می‌کند. کدام مدعی می‌تواند چنین گزینشی را در عصر کنونی با مدیوم دشوار سینما ادا کند؟ مسؤولان دلسوز واقعی انقلاب را می‌یافتند که فیلم ایدئولوژیک عامه‌پسندانه ساختن چه‌امر دشواری است کمتر دنمنکی را می‌کوبیدند. منتقدان باید دست بردارند از توهین‌هایی که نثار فیلم می‌کنند، چرا که حقیقت‌طلبی دنمنکی در آثارش طلیعه تازه‌ای را از انقلاب برای مردم عیان می‌کند.

فیلم در همان ابتدا تفکر ضدجنگی که برون‌ریزی دراماتیکش در رفتار و کنش‌های پدیر محمد متجلی است را مورد هدف قرار می‌دهد و با بوز نگرش آنتاگونیستی ضدجنگ پدر محمد در مقابل پرتاگونیستی قهرمانی و دلوری قرار می‌گیرد و بدین صورت شعار دفاع مقدس با همین شیوه احیا می‌شود. حالا دو دسته مخالفان چپ و راست اخراجی‌ها باید هر آنچه در قلم دارند را صرف آثار ضدجنگ کنند تا فیلمی که مصادیق مقدس دفاع را ستایش می‌کند. اما دنمنکی‌ها ترغندباز است و با همین ترغندها شعاعر مقدس را احیا می‌کند، از گویش تا پوشش، نشانه‌شناسی دفاع مقدس به خوبی در فیلم نمود پیدا می‌کند و کلیت اثر بدل می‌شود به نقد دوران جنگ. نقد دوران جنگ؟ آری! نقد دوران جنگ اما نه با لحنی که از مقدس دفاع قداست‌زدایی شود. نقدی انسانی براساس نگرش متکثری که در آن دوران در مقابل ایستادگی و خودمگی وجود داشت و معراجی‌ها با زبان طنز کنایه‌های صریحی به جامعه آن روز می‌زند.

در آن بخشی از فیلم که پدر محمد اصرار دارد در دانشگاه ثبت‌نام کند و بعدا به فکر حضور در میدان جنگ باشد، پرسوناژ محمد اشاره می‌کند تا آن زمان دشمنی از تهران به نمک‌آبرود رسیده است. مهران رجبی اشاره می‌کند خبیا زمین داده‌یم، زمان گرفته‌ایم؛ پدر محمد به نوعی استراتژی بنی‌صدر را در

ابتدای دوران دفاع مقدس یادآور می‌شود و حتی فیلم صراحتا به نقد تماشاگران دفاع مقدس می‌پردازد؛ در سکانس بمباران شهر و در پناهگاه پدر محمد حین حمله هوایی می‌گوید نصف این مردمی که در پناهگاه هستند اگر به جبهه می‌رفتند، جنگ تمام می‌شد.

اما حضور محمد در جبهه به بخشی از گوشه‌های دفاع اشاره می‌کند که رسانه‌ها و مسؤولان ما در مقابلش کم‌کاری کرده‌اند. سال‌هاست رسانه‌های معارض ضد انقلاب اصرار دارند بخش اعظمی از مدافعان جنگ ۸ ساله ایران و عراق کسانی بودند که تحت تاثیر فضای دهه شصت و بنگاه‌های مغزشویی (منظورشان همان مسجدهای مقدس دهه شصتی است) پای در نبرد گذاشته‌اند اما دنمنکی با همین فیلم و دستمایه روایی جوابیه‌ای سینمایی به مفهوم مغزشویی که رسانه‌های معارض آن را مطرح کرده‌اند، می‌دهد. دنمنکی که خودش جزو کم‌سالان فعال در جبهه‌های بوده‌است نشان می‌دهد عشاق‌الحسین برای اعزام به جبهه باید از مواقع متعددی عبور می‌کردند و این کردروایت رضایتنامه والدین تا توجیهات شرعی پدران و مسادران آن زمان که رضایت ولی را مقدم بر تکلیف جبهه می‌دانستند پاسخ سینمایی موثری است. تاثیر منفی رسانه‌های معارض و اصرار بی‌دلیلتان بر مغزشویی است اما دنمنکی حقیقت را با مردم در میان می‌گذارد که مغزشویی در میان نبود و برای شتافتن به جبهه‌ها همیشه پای عشق به میهن و انقلاب در میان بود. واقعا باید با همه وجود دهه شصت را در کمره باشید که از فیلم لذت ببرید. باید مصادیقی که معارضان و معاندان برای نقد انقلاب مطرح می‌کنند دغدغه‌تان باشد تا معراجی‌ها برایتان دلچسب باشد. در سکانس اعزام محمد به جبهه، دنمنکی با استفاده از دهه شصت از زبان فرماندهان جنگ شنیده است، در فیلم پیاده می‌کند. آنجا که فرمانده (سیدجوادهاشمی) به عنوان یکی از مسؤولان اعزام جوانان و نوجوانان به جبهه نقد اساسی خود را در قالب یک دیالوگ تند ادا می‌کند و از این پرسوناژ می‌نشویم فضای کتکور طولانی‌تر از فضای اعزام به جبهه است. در کربلا هم چنین بود، عده‌ای بهانه می‌آوردند بدهکاریم و طلبکاریم… خدا آنها را یاری کند… اینجاست اگر دنمنکی و نگرش او را به دهه شصت رصد کرده باشیم

فرمانده یعنی که بی‌شبهات به صدام نیست، سیگار خود را فندکی روشن می‌کند که منقوش به پرچم آمریکااست و همین فندک را روی پیکرهای آغشته به بنزین شهدا پرتاب می‌کند. با همین صحنه است که می‌فهمیم شمله این جنگ را اعموسام افروخته است و مخاطبان را فورم می‌فهمند همه آتش‌ها از گور عمو سام برمی‌خیزد

شله‌چه و جبهه منتشر می‌کرد و حالا صورت تصویری به خود گرفته است. محمد با وجود محدودیت‌های پدرش چاره‌ای جز فرار از خانه نمی‌یابد، کنششی که بسیاری که از نوجوانان آن زمان انجام دادند و پدر محمد بدبینانه به بازوکی و حاج آقا حسینی پیش‌نماز مسجد می‌تازد که مغز جوانان را شست‌وشو می‌دهند و خود کنج عافیت می‌نشینند. همانطور که اشاره شد در ۸ سال گذشته برنامه‌های محوری بی‌بی‌سی و رادیو فردا و تولید ۳۰۰ ساعت برنامه تلویزیونی توسط این رسانه‌ها درباره ۸ سال دفاع مقدس تاکید روی مفهوم مغزشویی در آن دوران دارد اما دنمنکی با چپش دراماتیک، بر این موضوع تاکید می‌کند که امثال محمد که رتبه‌نخست کتکور را کسب می‌کنند چگونه نمی‌توانند تحت تاثیر جریان مغزشویی باشند؟ ضمن اینکه آن عده‌ای که تن به گلوله دشمن سپردند برای دفاع؛ نجیگان، دانش آموزان، دانشجویان و طلبه‌ها، دست‌چین‌های حسین(ع) بودند.

پدر محمد برای نجات پسرش عازم جبهه می‌شود. او براساس خواب شهادت محمد عازم می‌شود برای نجات سرباز محمده. اما در میان کشاکش حوادث قبل از جبهه می‌بینیم که عمده‌شخصیت‌های مونث دنمنکی چادر به سر دارند. شاید به این موارد کسی توجه کند که غیر از شعارنویسی، چرخ و فلک و المان‌های کاملا آن زمانی، چادر سمبل زندگی و جهت بوده و تاکید دنمنکی بر پوشش بانسوان نوعی تاکید بر این مساله است که استاندارد حساب در آن دوران فراگیری کنونی را ندارد و این نقدی است که در مهران رجبی اشاره می‌کند خبیا زمین داده‌یم، زمان گرفته‌ایم؛ پدر محمد به نوعی استراتژی بنی‌صدر را در

نگاهی متفاوت به فیلم معراجی‌ها آخرین ساخته دنمنکی

نقد نقرن‌ها و عافیت‌طلبان



عازم جبهه شده و در منطقه متوجه می‌شود که بازوکی فرمانده (سیدجوادهاشمی) و حاج‌آقا حسینی که به آنان اتهام شست‌وشوی مغزی جوانان می‌زد به عنوان فرماندهان گران در متن جنگ حضور دارند. قسه معراجی‌ها قصه پر غصه محمد است به عنوان نماد نوجوانان و جوانان دهه شصت که از دنیای خود بریده‌اند تا به معرکه عاشورای زمان برسند و شهادت شهید شیرین آنکه فتح‌بخش بابش از اخراجی‌ها آغاز شد که از فهم نگارنده و امثالهم خارج است. فقط حماسه‌اش مثل روایت‌های کهن حماسی جذابیت دارد.

نمایش پدر محمد برای بر هم زدن رویای صادق‌ه شهادت محمد آغاز می‌شود و با سماجت فراوان از فرماندهان گردان قول می‌گیرد به هر ترتیب شده محمد به خط مقدم رود و فرماندهان هم غفلتا دست قول به مهران رجبی داده و خیال او را راحت می‌کنند. در سنگر فرماندهی با دیالوگ‌های طنز، جامعه و شرایط ده ۶۰ را به چالش می‌کشد و عافیت‌نشینان و بخش اعظمی از جامعه مورد نقد واقع می‌شوند. حاج‌آقا حسینی می‌گوید مردم در شرایط کنونی چند دست‌ه‌اند. عده‌ای هستند که کاری به وقایع کنونی ندارند، کناری نشسته‌اند و تماشاچی هستند. عده‌ای دیگر جنگ جنگ تا پیروزی می‌گویند اما کناری نشسته‌اند و شعاعر می‌دهند. مثل شرایط کنونی که در جدال نابرابر جنگ نرم عده‌ای شعاعر می‌دهند، در مناظره‌های مختلف شرکت می‌کنند، نقی می‌زنند، نقد می‌کنند اما هیچ عملگرایی ابره‌ردی ماندگاری ندارند و فقط تابلوی نقد و نق‌زندن هستند. نقد معراجی‌ها با این جملات حاج‌حسینی به مرور تندتر می‌شود و معتقدان به انقلاب را هم دربر می‌گیرد آثنی که شعار جنگ جنگ تا پیروزی را می‌دادند و به جبهه نمی‌آمدند. حلقه نقد دنمنکی طیف وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد و بسیاری از عافیت‌طلبان دهه شصتی که امروز با همین رُست گلو‌کله‌های مدیریتی را نصب کرده‌اند، به خط مقدم می‌فتند و عکسی برای سوءاستفاده می‌گرفتند و بازمی‌گشتند. اما تمام این نقدها با عطف درماتیک زیبایی‌مزج می‌شود. مهران رجبی به‌عنوان مخالفش با حضور محمد درجبهه در جایی از فیلم اشاره می‌کند که به حال این جوانان و نماز شب خونان‌های آنان حسرت می‌خورد. حالا تعریف زیبا

و عمیق و نه چندان شعاری در جان مخاطب می‌نشیند. از منظر دنمنکی در دوگانه اخراجی‌ها و فیلم معراجی‌ها اینجایی است که بوی دنیاطلبی کمتر به مشام می‌رسد. چرا که همین جوانان رزجو در نبرد با باطل، قبل از جنگ و انقلاب در کارها و عسرت‌کده‌های پهلوی بودند و این تعبیر ظریفی سینما شده‌ای از امام است که در زبان هنرپیشه

فیلم جاری می‌شود. پدر محمد با گرفتن وعده از فرماندهان به شهر بازمی‌گردد و ۷۰ دقیقه فیلم با طنز کلامی و موقعیت‌های ویژه مخاطب را پای فیلم می‌نشانند. از این لحظه به بعد پرده سوم فیلم آغاز می‌شود و لحن فیلم بشدت جدی می‌شود.

با سکانس اعزام و به نوعی رجزخوانی حاجی حسینی برای شرکت رزمندگان در یک عملیات ایذایی و به تعبیر خودش جنگ عاشورایی، فیلم وارد صحنه‌های جنگی ناب می‌شود. آ سکانس بمباران اردوگاه با جلوه‌های ویژه و حمله هوایماها که کاملا با تکنیک‌های رایانه‌ای ساخته شده است و برای اولین بار در سینمای دفاع مقدس پلان‌های هلی‌شات وارد دکوپاژ صحنه‌های جنگی می‌شود و معراجی‌ها در نیمه دوم فرم جدیدی از سینمای جنگی برای مخاطب تداعی می‌کند. شیرجه‌های هوایپامی دشمن برای لحظلات بمباران و جلوه‌های ویژه میدانی که آخرین انفجارها- آخرین یادگارا- ی جواد شریفی در سینمای ایران بود و قارچ‌های انفجاری ۳۰ متری را بر پرده سینما تصویر می‌کنند و از اینجای فیلم همه کسانی که به نوعی وعده داده بودند محمد شهید نشود، به مرور از روایت حذف شده و شهید می‌شوند. جالب این است که در سنگر فرماندهی وقتی درباره خواب دیدن از آنها سوال می‌شود هر کدام از این کاراکترها خواب شهادت خود را دیده‌اند و به همان سکانس شهید می‌شوند.

سکانس آماده‌شد نیروها مساله است که استاندارد حساب در آن دوران فراگیری کنونی را ندارد و این نقدی است که در مهران رجبی اشاره می‌کند خبیا زمین داده‌یم، زمان گرفته‌ایم؛ پدر محمد



دفاع مقدسی است که با فیلم تلفیق شده است. چهره نوجوان معصومی را می‌بینیم که در سرمای زمستان برای بازی در این فیلم داوطلبانه و عاشقانه لباس رزم پوشیده‌است. نحوه شهادت حاجی حسینی و سکانس حمله هلیکوپتر به اسکله و جلوه‌های بصری ویژه، لحظلات چشم‌نواز فرمی فیلم به شمار می‌رود و تعریف تازه‌ای از نبردهای تن به تن در میادین جنگ را ارائه می‌دهد.

■ **معراجی‌ها به باج‌بخشی‌ها ادا‌ی دین می‌کند**
یکی از کاراکترهایی که در فیلم وجود دارد اما تاکید دراماتیک‌کی بر وی نمی‌شود پرسوناژی شبیه حاج‌بخشی است؛ پیران سلحشوری که حضورشان در جبهه‌ها روحیه‌بخش بود. نحوه انهدام ماشین حاج‌بخشی یکی از دلپذیرترین لحظلات فیلم است. حالا تمام خنده‌های مخاطبان به گریه و رقیق‌الحالی بدل می‌شود. مردم در سکانس‌های نبرد در عمده سینماها رزمندگان را تشویق می‌کردند و فیلم دنمنکی با اینکه اثری دهه شصتی است اما در سینماهای ورکشسته ما کارکردی دهه شصتی پیدا می‌کند و واکنش تشویق‌های مخاطبان تمثیلی دهه شصتی از اکران اخیر فیلم دنمنکی است.

یکی از مهم‌ترین سکانس‌های فیلم صحنه عملیات گروهان تاجیک در اسکله است که با موزیک سنج و دمام حماسی و عاشورایی همراه می‌شود. پلان‌هایی که از لحظلات تیر خوردن تا پرت شدن پوکه‌ها از جان لوله که با دوربین خاص red ۱ اسلوموشن گرفته شده و در تدوین به صورت اسلوفت در آمده، تکنیک خاصی است که در سینمای ایران به کار گرفته نشده است و تاکنون سینمای دفاع مقدس چنین قالب فرمی را به خود ندیده است. معراجی‌ها مخاطب را غافلگیر می‌کرد فرم جدیدی از تدوین که با یک حساب سرانگشتی وجود حداقل ۲ هزار پلان در این فیلم را می‌دهد. معراجی‌ها مسلما تدوین بسیار زیبایی دارد که از چشم داوران فجر دور ماند. اگر نه تدوینی که از زوایای مختلفی ثبت بصری را به صورت هارمونیکی درمی‌آورد شایسته هزاران بار تقدیر است. در سینمای ایران متداول نیست که بعضی از صحنه‌ها تا ۸ تا ۱۰ دوربین فیلمبرداری شود و این حرکت دنمنکی تقریبا یادآور حساسیت‌های هالارد هیوز، تهیه‌کننده معروف هالیوودی است که صحنه‌های نبرد فیلم‌هایش را با بیش از ۱۰ دوربین فیلمبرداری می‌کرد.

اسا در نیمه پایانی محمد نرزد فرمانده می‌رود و هلیکوپتر آخرین امید نجات آنها برای حمل تعدادی از مجروحان وارد منطقه می‌شود. فرمانده (سیدجوادهاشمی) با عزم و اراده می‌رود و به جبهه می‌دهد و از او می‌خواهد به عقب بازگردد و این پلاک‌ها را به تعاون بدهد و خبر شهادت نیروها را اعلام کند. محمد تا پای هلیکوپتر می‌رود ولی آخرین لحظه عافیت و رفتن را انتخاب نمی‌کند و پلاک‌ها را به دست مجروحان می‌دهد و به یاری سایر رزمندگان می‌شتابد. وقتی هلیکوپتر حامل مجروحان برمی‌خیزد مخاطب نفس راحتی می‌کشد که از این جهنم آتش عده‌ای نجات پیدا کردند ولی در آخرین لحظلات و برخلاف تصور مخاطب کارگردان همه را غافلگیر کرده و همین هلیکوپتر متهم می‌شود و محمد در کنار فرمانده‌اش بازوکی در نبردی برابر در مقابل تانک‌های دشمن به شهادت می‌رسد. آخرین کلام محمد از در پرسش نمایان می‌شود، وی از بازوکی فلسفه این همه شهید را در این عملیات می‌پرسد و جواش در دیالوگ حاج آقا حسینی مستتر است، این جنگی عاشورایی است

و همه آماده‌یم ثابت کنیم فرزند امام حسین هستیم و این عملیات آغازگر عملیات بزرگ‌تری خواهد بود. آخرین عملیات و موقعیت‌های ویژه مخاطب را پای فیلم صدام نیست، سیگار خود را با فندکی روشن می‌کند که منقوش به پرچم آمریکااست و همین فندک را روی پیکرهای آغشته به بنزین شهدا پرتاب می‌کند. با همین صحنه است که می‌فهمیم شمله این جنگ را اعموسام افروخته‌است و مخاطبان فیلم دنمنکی با فرم یعنی همان تصویر خوش‌نقش فیلم می‌فهمند همه آتش‌ها از گور عمو سام برمی‌خیزد. آنچه به نگارش در آمد بخشی از استنباط‌هایی است که با دویار دیدن فیلم می‌توان برداشت کرد اگر نه برای هر دغه دیدن معراجی‌ها می‌توان نقدی تازه نوشت. تجعب می‌کنم از کسانی که دم از ارزش‌ها، اصول و آرمان‌ها می‌زنند و در اثری که فرم از محتوا پیشی می‌گیرد و به بنطن جنگ می‌پردازد و با زبان تصویر و درام پیامش را می‌رساند، در نقشی می‌نویسند فرم ندارد. بدانید و آگاه باشید کسانی که این مطالب را در نقد معراجی‌ها می‌نویسند خودشان، رفتارشان و قلمشان فرم ندارد و همانطور که اشاره کردم اگر دنمنکی تمام جوایز سینمایی جهان را در تقدیر آثارش به دست بیاورد باز هم نقد می‌کند و نق می‌زنند. واقعا رفتار این جماعت فاقد فرم است و جماعتی که برای بچه حزب‌اللهی صورت آشنایی دارند و نقد و نق در بخشی از کاراکترشان است در صورتی که از اداره یک حلقه چند صحنه‌ای به صورت نامه‌بر نمی‌آیند و نق زدنشان با حضور در یک برنامه تلویزیونی تمام می‌شود اما همین دنمنکی بود که هفته‌نامه‌اش یک تنه موجی از عدالتخواهی و انقلابگری را در دوران اصلاحات زنده می‌کرد و حالا فیلم ساخته و اقتصاد سینما را نجات داده اما همدوشانش او را نمی‌بینند و هر چه بکنند نق می‌زنند فارغ از اینکه خودشان نمی‌توانند ۲ دقیقه فیلم بسازند.

تازه‌ها

سهرابی عنوان کرد

تلاش برای تولید فیلم «شهید همت»

روح‌الله سهرابی، قائم‌مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از اتمام نگارش فیلمنامه پروژه سینمایی شهید همت که قرار است به کارگردانی رضا میرکریمی ساخته شود خبر داد و گفت: چکش کاری فیلمنامه تمام شده است. وی افزود: این فیلم نیاز به تحقیقات فراوانی داشت به همین منظور جلساتی کارشناسانه با حضور کسانی که از نزدیک این شهید بزرگوار را می‌شناختند برگزار کردیم. قائم مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس در گفت‌وگو با تسنیم درباره پیش‌تولید این فیلم، گفت: باید با توجه به شرایط، پیش‌تولید این کار را آغاز کنیم. آغاز پیش تولید به آمادگی گروه میرکریمی بستگی دارد. سهرابی درباره سرمایه‌گذاران این پروژه هم گفت: صحبت‌هایی با سازمان سینمایی درباره این پروژه شده است اما هنوز با فالرایی حرف نزده‌ایم. سهرابی اضافه کرد: این پروژه بسیار بزرگی است و همه تمرکز و تلاش‌مان این است که این فیلم سینمایی در حد امکان خوب از آب درآید. به همین منظور لوکیشن‌های فیلم با دقت انتخاب می‌شوند. وی در پایان درباره دیگر پروژه‌های سینمایی انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس خاطرنشان کرد: چند سوزه و چند فیلمنامه برای تولید در دست داریم اما هنوز تولید آنها قطعی نشده است. تاکنون با چند فیلمساز حرف زده‌ایم. امسال قصد داریم با ۲ یا ۳ فیلمساز کارا ولی هم برای پروژه‌های سینمایی دعوت به همکاری کنیم.

■ ■ ■

راضیه تجار با ۹ اثر در نمایشگاه کتاب

راضیه تجار با ۹ اثر داستانی در بیست و هفتمین نمایشگاه کتاب تهران حضور خواهد داشت که از این تعداد، ۴ اثر چاپ اولی است. خالق آثاری چون «هفت‌بند»، «کوچه اقلیقا» و «ستاره من» عنوان کرد. کتاب «محبوبه صبح» امسال در نمایشگاه حضور خواهد داشت. این کتاب که توسط سوره مهر منتشر شده است. زندگی‌های ۱۷ ساله‌ای را که خیلی جلودار سن خود قرار دارد، روایت می‌کند. این دختر ۱۷ ساله در نهایت به یک روشنگری می‌رسد و در هفدهم شهریور به شهادت می‌رسد. وی از عرضه کتاب دیگر خود با عنوان «اینجا چراغی روشن است» خبر داد و افزود: این کتاب جزو یکسری کتاب‌های ۱۱ جلدی است که در جلد این مجموعه به آب و من اختصاص داده شده است. البته کتاب «برنده پرنده است» هم می‌توانست به نمایشگاه برسد ولی به دلیل مشکلاتی که در حوزه کتاب وجود دارد متأسفانه این اتفاق رخ نداد. گفتنی است رمان‌های «کوچه اقلیقا»، «گرس‌ها» و «هفت بند» از این نویسنده بعنوان رمان برتر یک دهه در آموزش و پرورش انتخاب شدند و از دیگر آثار او می‌توان به «زن شیشه‌ای»، «پندهای روشنایی»، «سفر به ریشه‌ها»، «شله و شب»، «جای خالی آفتابگردان‌ها»، «آرام شب‌خیر»، «گمان میر شعله بمیرد»، «زن خاک‌تا افلاک» و «ستاره من» اشاره کرد.

■ ■ ■

ترجمه عربی «پایی که جاماند» به چاپ دوم رسید

برگردان عربی «پایی که جاماند»، نوشته کمال السید محمد از در کشورهای عراق و لبنان توزیع شده، به چاپ دوم رسید به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام و المسلمین علی شبرازی، نویسنده و از فعالان حوزه خطرات دفاع مقدس از استقبال مردم عراق و لبنان استقبال می‌کند. ترجمه عربی «پایی که جاماند» در کشورهای عربی خبیر داد و گفت: ترجمه این اثر به زبان عربی سال پیش توسط کمال السید از مترجمان، انجام و بلافاصله در کشورهای لبنان و عراق توزیع شد. بعد از گذشت چند ماه این اثر به چاپ دوم رسیده و هم‌اکنون توزیع این نوبت از چاپ نیز آغاز شده است. وی ادامه داد: این حرکت به منظور انتقال ارزش‌های دفاع مقدس و در راستای منویات مقام معظم رهبری در این زمینه انجام شده است. در همین رابطه ترجمه عربی کتاب‌های دیگری مانند «لشکر خوبان» و «گردان کمیل» نیز در دست انجام است. «پایی که جاماند» مجموعه خاطرات سیدناصر حسینی‌پور به همت دفتر ترجمه حوزه هنری به زبان انگلیسی نیز ترجمه می‌شود.

■ ■ ■

آغاز فعالیت سومین جشنواره تئاتر شهر

دبیرخانه سومین جشنواره تئاتر شهر سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در سال ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرد. پس از برگزاری ۲ دوره موفق این جشنواره در مراکز فرهنگی - هنری شهر تهران، دبیرخانه سومین دوره جشنواره تئاتر شهر فعالیت خود را آغاز کرد. این جشنواره که توسط سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران و با مدیریت شهرام کرمی برگزار می‌شود، طی هفته دوم اردیبهشت ماه جاری فراخوان خود را منتشر می‌کند و هفته گذشته اولین جلسه شورای سیاست‌گذاری به ریاست حجت‌الاسلام شهاب مرادی برای بررسی و تأیید فراخوان برگزار شده و مقرر شد سومین جشنواره تئاتر شهر با توجه به گسترش فعالیت تئاتر کانون‌های نمایش، مراکز سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، آموزش و توجه به گروه‌های جوان به عنوان مهم‌ترین عامل و امکان حمایت از اجرای عمومی آثار منتخب در سال ۹۳ برگزار شود.

